

## گلوبالیزم و مسابقت تسلیحاتی

۱



امروز جهان مدرن و گلوبالیزه را تولید انواع مختلفی از سلاح کشنده و مرگبار فرا گرفته است. دروغپراگنی های قهرسفيد و آقای بارک اوباما بخاطر براه انداختن جنگها و یاری بی شائبه سازمان ملل متحد، شورای امنیت آن و شخص آقای بانکی موون سر منشی سازمان ملل متحد و دماگوزی رهبران و احزاب برسر اقتدار در کشور های سیستم سرماییداری باعث شده اند که مردمان این کشورها به داستانسرایی های مسئولین گوش فرا داده و تا حدود زیادی تحت تأثیر آن قرار گیرند.

گلوبالیزم نقش اساسی را در "پشت پازدن" بحران سرماییداری ایفا کرد. بدین معنی که با گلوبالیزه ساختن امورتسلیحاتی زمینه های کاری را در کشور های همپا بمیان آورده ولی در قسمت توزیع و چپاول غنایم، برخورد های متفاوت صورت پذیرفته است.

اگر به ارقام معتبر رسانه های وابسته به سیستم سرماییداری توجه کنیم درمی یابیم که امروز ۶۰ درصد سلاحهای کشنده در جهان بوسیله ۴۴ کانسرن تولید سلاح در ایالات متحده آمریکا و ۳۲ درصد آن بوسیله ۳۴ کانسرن در اروپا تولیدوبه همه کشورهای جهان صادر میگردد. درینجا وضاحت دارد که ۸ درصد تولید سلاح در مقیاس جهانی در خارج از اروپا و ایالات متحده آمریکا صورت میپذیرد. ناگفته نباید گذاشت که در مقام اول، کانسرن انگلیسی (بی.ای.ی. - سیستم) قرار دارد.

اگر دقت کنیم می بینیم که همیشه ادعا میشد که امپریالیزم بمثابه سیستم جهانخوار در درون سرمایرداری که مبین آخرین مرحله آن است، درضدیت شدید با بشریت قرار دارد. ولی امروز که سیستم جهانی سوسیالیزم دیگر وجود ندارد و جهان یک قطبی شده، بایستی برخورد ها و جنگها نیز به کندی بگراید، زیرا کدام دشمنی در برابر سیستم سرمایرداری وجود ندارد. واما برخلاف توقع همین اکنون جهان شاهد میدانهای داغ مبارزه در داخل خود سیستم سرمایرداری است.

استنتاج چنین میشود که برای کدام یک از نیروها در جهان امروزین براه انداختن جنگها دارای منافع بیشتر است. درین راستا کوشش شده است تا قبل ازینکه به مداخلات مستقیم در کشور های مورد نظر پرداخته شود، باید زمینه های تطبیق آن جستجو گردیده، افراد واشخاص "مستعد" شناسایی، استخدام و تربیه شوند، یا سازمانهای موجوده شان تقویت ویا سازمانهای جدیدی برای شان ایجاد گردد که این تلاشها از هنگام مداخله نظامی اتحاد جماهیر شوروی اسبق به شدت گرائیده و اخیراً به ادامه گذشته تشدید حاصل کرده است.

توجه کنیم که درمقابله بااین مسائل سی.آی.ا. به دستورحکومت ایالات متحده درزمان رونالد ریگن دست به تجهیز، تمویل وطمیع رهبری پاکستان دررأس جنرال ضیا الحق و گروه های "مقاومت" افغانی زدند و بعد از مدت زمانی واضح شد که نه حکومت پاکستان در وجود جنرال ضیا الحق ونه گروه های افغانی با غیرمتجانس بودن آنان جوابگوی خواسته های امپریالیزم جهانی هستند. همان بود که جنرال ضیا با سفیر امریکا قربانی نخست در یک صانحه هوایی میگردد وهفتگانه ها وهشتگانه ها را برای کسب نفوذ در میان آنان باهم تقابل داده ودرجات آماده گی آنانرا برای مقاصدبعدی شان مشخص میسازند که نتیجه آن تعریف استراتیژی جدیدی بودکه مولود آن شخصی بنام اسامه بن لادن یکی از تاریک اندیش ترین افراد دهه های اخیر جهان اسلام است.

با بنیانگذاری سازمان القاعده تحت نظارت مستقیم ایالات متحده امریکا به رهبری اسامه بن لادن درداخل خاک پاکستان برای اولین بارجانیان وقاتلین درقدم نخست ازسرتاسرکشور های عربی همپا با نظریات بن لادن که تعدادی ازآنان گویا از زندان فرار کرده بودند، متشکل گردیده وبه کمک مالی سی.آی.ا. وحکومت عربستان سعودی با استفاده از قلمرو پاکستان دست به

عملیاتهای تخریبی و نظامی در داخل خاک افغانستان زدند. ولی اینکه اکنون امریکا- ناتو قادر به آن نیستند تا با همه امکانات دستگاه های جهنمی شان این شخص را شناسایی محل اقامت کنند و به گفته امپریالیزم، جهان را از چنبره این "بنیاد گرا و تروریست" نجات دهند، علت اینستکه میخواهند جنگ را در منطقه غرض پیشبرد مقاصد بعدی گرم نگهداشته و چنین وانمود سازند که بخاطر مبارزه علیه تروریزم آمده اند و دستیار محلی شان حکومت پاکستان نیز با آنان طبلنوازی همگون دارد.

چگونه ممکن استکه تروریزم یکبارہ در وجود نزدیکترین متحد امپریالیزم جوانه میزند و اکنون چنان ریشه دار شده که "برچیدن" آن کاریست که باید بوسیله اعزام همه روزه طیارات بدون پیلوت، بم افکنهای غولپیکر و هلیکوپترهای آپاچی صورت پذیرد؟!

ادامه دارد!